

دیه دندان از دیدگاه مذاهب پنجگانه «دیه الاسنان من منظار خمسه مذاهب»

قدمخیر برد باری^۱، آذر آزادی^۲، مصطفی ملکی^۳

چکیده

خداوند در نص صریح قرآن و پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) برای جرم و الشرف خطا راهکارهایی بیان فرموده اند و شارع مقدس برای جلوگیری از تعدی افراد به جان و مال و حیثیت یکدیگر و حفظ ثبات در جامعه احکامی را تشریح فرموده است که یکی از احکام مهم مربوط به دیات است تا از افزایش ضرب و جرح در جامعه جلوگیری کند و با اجرای این احکام علاوه بر تنبیه مجرم و ممانعت از گسترش این جنایتها جامعه نیز به آرامش برسد. و با توجه به اصل مشروعیت دیه و نیاز جامعه، مسیله پرداخت دیه که از مسایل کاربردی و مهم جامعه است در این پژوهش سعی بر آن است که دیه ی دندان از دیدگاه مذاهب پنجگانه از زوایای گوناگون مورد تحقیق و تدقیق قرار گیرید. با توجه به احکام متغییر دندان در صدمات گوناگون وارد بر آن، به تبع نظرات و فتاوی مختلف نیز از طرف علمای مذاهب پنجگانه بیان شده است بر همین اساس در پژوهش حاضر پیرامون تعریف دیه، و سپس در مورد دیه ی از بین رفتن دندان و مجموع آنها، شکستن دندان و بقای ریشه ی دندان، روئیدن دندان کنده شده، دیه دندانهای زائد، دیه دندانهای شیری کودک، دیه دندان کنده شده اگر کاشته شود (پیوند داده شود)، هرگاه چیز دیگری به جای دندان کاشته شود، دیه ی سیاه شدن و تغییر رنگ دندان، دیه دندان شکافته شده یا لق شده از دیدگاه مذاهب پنجگانه بررسی تطبیقی صورت می گیرد.

واژگان کلیدی: دیه، ارش، حکم، فقه.

۱- کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی.

۲- کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی.

۳- دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی.

مقدمه

با توجه به زندگی اجتماعی انسانها و ضرورت وجود قوانینی برای ثبات امنیت و آرامش آنها با همدیگر، وضع نمودن قوانینی جهت جبران خسارت وارده بر اعضا از موارد غیر قابل چشم پوشی در یک جامعه است و این قوانین به تبع دین و احکام وارده نیز احکام مخصوص به خود را دارد. دیه که یکی از اموالی است که جانی جهت جبران خسارت به مجنی علیه پرداخت می کند از موارد مهم قانون هر جامعه به شمار می رود که دیه ی دندان یکی از مسایل مهم و قابل تامل است که سعی می شود از دیدگاه مذاهب پنج گانه با اعمال نظرات فقهای آنها بررسی شود.

و پاره ای از مسایل از جمله ضرورت وجود این عضو خسارتهای گوناگون وارد بر دندان میزان این خسارتهای و دیه ای که شرع برای آن خسارت معین کرده است بررسی شود.

بیان مساله

یکی از اعضای مهم که خداوند در وجود انسان قرار داده است دندان است دندانهای مختلف در دهان انسان کارآیی گوناگونی نیز دارند که شامل دندانهای پیش، نیش، آسیاب و عقل می باشند که در انسان بالغ و نابالغ فرق می کنند، یک انسان بالغ ۳۲ دندان دارد که ممکن است آسیب هایی از جمله کندن، لق شدن، سیاه شدن یا تغییر رنگ و شکستگی بر آنها وارد شود. این آسیب ها غالبا در کودکان به دلیل شیری بودن دندان و رشد دوباره قابل جبران است ولی در یک فرد بالغ که دیگر امکان رویدن دوباره دندان وجود ندارد غیر قابل جبران است، دندانها برای انسان منافع دارند مهمترین آنها خرد کردن و جویدن غذا، تکلم صحیح کلمات است، همچنین در زیبایی فرد بسیار موثر هستند و بسته به میزان خسارت وارد شده زیبایی صورت فرد آسیب دیده دچار مشکل می شود به گونه ای که این نقص در زیبایی در صورت آسیب بر دندانهای جلو به خاطر در معرض دید بودن بیشتر است.

بدیهی است برای جبران آسیب های متعدد بر دندانهای گوناگون قوانینی متنوع ضروری است که البته احتمال وجود نظرات مختلف در مذاهب مختلف دور از ذهن نیست.

سوالات

نظر فقهای مذاهب پنج گانه در مورد میزان دیه ی دندان چیست؟

خسارتهای مهم وارد بر دندان چیست؟

اختلاف نظر فقهای مذاهب پنج گانه به چه میزان است؟

پیشینه

بدون شک بررسی پیشینه هر بحث علمی در رسیدن به صواب و واقع و تشخیص جایگاه مسئله نقش به سزایی دارد. در مباحث فقهی به ویژه بحثهای جزایی به دلیل امضایی بودن بسیاری از این مباحث فقهی تأثیر دو چندان دارد. دیهقبل از اسلام توسط عبدالمطلب بر صد شتر استقرار یافت پس از ظهور اسلام

پیامبر اکرم (ص) نیز آنرا امضا کرد و پرداخت دیه از اجناس دیگر را هم تجویز کرد. حضرت علی(ع) اصل پرداخت دیه را پول نقد (دینار و درهم) قرار داد. (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹/ص ۲۰۲)

در قوانین عصر فرعون قصاص، شلاق کیفر با اعمال شاقه و پرداخت مال به عنوان دیه آمده است یکی از قوانین عصر فرعون دار زدن جانب و دهاست. (ادریس، ۱۳۷۷، ص ۷)

در کتاب جواهرالکلام در تعریف دیه چنین آمده است، مراد و منظور از دیه در اینجا (در کتاب و مباحث دیات) مالی است که پرداخت آن سبب جنایت بر نفس و جان فرد آزاد و اجباست. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳/ص ۲۰)

از جمله دانشمندان دیگر که در کتب خویش به مقادیر دیه اشاره داشته‌اند می‌توان به (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷/ص ۱۳۲) و (حلی، ۱۴۰۸، ج ۴/ص ۱۹۹۶) و (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹/ص ۱۱۸) و (خمینی، ۱۴۲۵، ج ۴/ص ۳) اشاره کرد.

جنبه جدید بودن و نوآوری در تحقیق:

در این پژوهش که به بررسی دیه دندان از دیدگاه مذاهب پنج گانه می‌پردازد سعی بر آن است که با حفظ مبانی اصول، تقریب بین مذاهب پنج‌گانه همراه با ادله یکافی به وجود آید، با عنایت به اینکه حقوق جزایی در اسلام مبتنی بر قواعد شرعی است و با توجه به ارتباط این پژوهش با حوزه‌های متعدد حقوق جزایی به ویژه نظرات مذاهب مختلف و قلت بررسی‌های گذشته در مورد دیه اعضا از دیدگاه فریقین موضوع حاضر نوعاً خاص و واجد جنبه‌ی نوآوری می‌باشد.

اهداف:

از جمله اهداف از گردآوری این مقاله بررسی نظرات فقهای شیعه و اهل سنت در مورد دیه دندان و همچنین تفکیک نظرات دیه دندان در مذاهب پنج گانه می‌باشد.

کلید واژگان:

دیه: در لغت به معنی خون بها (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۴/ص ۵۶۱). و در اصطلاح مالی است که به جنایت بر حرّ در نفس یا پایین‌تر از آن، واجب می‌شود، چه مقدر باشد یا نه. و چه بسا غیرمقدر، بهارش و حکومت، و مقدر، به دیه نامیده می‌شود. (خمینی، ۱۴۲۵، ج ۴/ص ۳۴۹).

ارش: «در لغت به معنی دیه‌ی جراحات است ارشد را صطلاح عبارت است از خسارت و غرامتی برای جنایت یکه از سوی شرع مقدار معینی ندارد. بر ارش حکومت نیز اطلاق می‌شود.» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳/ص ۱۶۸).

حکم: «در لغت به معنی منع کردن» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳/ص ۶۶) «در اصطلاح صدور الزام از طرف حاکم شرع به تنفیذ احکام شرعی - اعمّ از تکلیفی و وضعی، یا تنفیذ موضوع آن دو - در مورد خاص». (خلخالی، ۱۴۲۲، ص ۳۴۱).

فقه: «در لغت، مطلق علم به یک شیء و ادراک آن نیست بلکه ریزبینی و ادراک دقیق را فقه گویند و در اصطلاح اصولیون و فقها، فقه مجموعه‌ای از قوانین، دستورات و امر و نهی‌هایی است که فقیه، از منابع و ادله تفصیلی آن استنباط می‌کند». (شیرازی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۱ و ۳۸).

گفتار اول - مفهوم دیه

معنای لغوی و اصطلاحی دیه

دیه مفرد دیات است و از ریشه «ودی» به معنای نابودی است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸/ص ۹۸). در تمام کاربردهایی که عرب درباره فعل ودی و مشتقات خود دارد، معانی هلاکت و نابودی، جریان یافتن چیزی مانند آب، آمده است، آنگاه در دین اسلام لفظ دیه با توجه به این معانی با مناسبت در معنای مالی که در اثر جنایت بر مقتول به اولیای دم پرداخت شود، استعمال شده است. و گاهی به جای دیه، دم اطلاق می‌شد که این نامگذاری از باب تسمیه مسبب (دیه و خونبها) به اسم سبب (خون) می‌باشد. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳/ص ۲)

صاحب جواهر درباره معنای اصطلاحی دیه در علم فقه می‌نویسد: «منظور از دیه در فقه، مالی است که بر جانی، به سبب جنایت بر نفس یا پایین‌تر از آن، واجب می‌شود، خواه اندازه آن تعیین شده باشد، خواه تعیین نشده باشد. چه بسا، دیه به مالی گفته شود که اندازه آن تعیین شده باشد و ارش و حکومت به مالی گفته شود که اندازه آن معین نشده باشد». (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳/ص ۲) و (شرینی، ۱۴۱۵ق، ج ۴/ص ۵۳).
حنبلیان: «دیه را عقل نیز گفته‌اند زیرا دهان اولیای مقتول را می‌بندد». (مقدسی، ۱۳۸۸ه، ج ۸/ص ۳۹۰).
حنفیه: «دیه اسم مالی است که بدل از نفس می‌باشد». (موصلی، ۱۴۲۶ق، ج ۵/ص ۳۵).

گفتار دوم: دیه هر دندان و مجموع آنها

الف) - نظر فقهای شیعه

شیخ صدوق در این باره می‌فرماید: «امیرالمؤمنین علیه السلام در باره دندانها چنین دستور داد: آنها که دیه بر آن تقسیم می‌شود بیست و هشت عدد میباشد، شانزده عدد آنها در درون دهان، و دوازده عدد در جلوی دهان قرار گرفته‌اند، پس دیه هر یک از دندانهای پیشین چنانچه بشکند و بیفتد پنجاه دینار است، و بدین حساب جمله ششصد دینار می‌شود، و دیه هر یک از دندانهای درونی نیم دندانهای پیشین است و بدین حساب چهار صد دینار خواهد شد و رویهم هزار دینار، و اگر کمتر بود دیه ندارد و اگر بیشتر بود نیز دیه‌ای ندارد». (قمی، ۱۴۰۹ق، ج ۵/ص ۴۳۳) و (عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰/ص ۱۷۵) و (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵/ص ۲۴۳).

ب) - نظر فقهای اهل سنت

یمینی شافعی از فقهای شافعی آورده است: «اگر جانی تمام دندانهای مجنی علیه را بکند اگر یکی یکی آنها را بکند در هر دندانی ۵ شتر واجب است پس ۱۶۰ شتر دیه واجب می شود چونکه دندانها ۳۲ عدد می باشند». (یمینی شافعی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱/ص ۵۳۶).

از فقهای مالکی ابو عمر قرطبی: «تعداد دندانها ۳۲ عدد می باشد که ۲۰ عدد ضرس و ۴ عدد انیاب و ۴ عدد ثنایا و ۴ عدد ضواحک می باشند و از پیامبر (ص) روایت شده است که: در هر دندانی ۵ شتر است. و فقها بر این اتفاق نظر دارند. و اگر با ضربه ای همه ی دندانها بیفتد برجانی یک دیه ی کامل و سه پنجم دیه واجب است چونکه در هر دندان یک بیستم دیه واجب است». (قرطبی، ۱۴۲۰ق، ج ۸/ص ۱۰۸) و (مواق، ۱۴۱۶ق، ج ۲۲/ص ۴۶۷).

از فقهای حنبلی علاءالدین دمشقی: و در هر یک از دندانها ۵ شتر دیه واجب است. ... و ابو محمد جوزی گفته اگر همه دندانها یک دفعه کنده شوند یک دیه ی کامل واجب است. (صالحی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰/ص ۶۶). از علمای حنفی ابن مودود الموصلی: «در همه ی دندانها یک دیه ی کامل و سه پنجم دیه ثابت است چون دندانها ۳۲ عدد هستند ۲۰ دندان اضراس و ۴ دندان انیاب و ۴ دندان ضواحک و ۴ دندان ثنایا». (موصلی، ۱۴۲۶ق، ج ۵/ص ۴۳).

گفتار سوم: شکستن دندان و بقای ریشه دندان

الف) - نظر فقهای شیعه

شهید ثانی در شرح لعمه الدمشقیه بیان کرده است: «دندان اگر از ریشه کنده شود در این صورت دیه ی آن به اجماع فقها ثابت می شود. اگر از ریشه کنده نشود ولی تمام قسمت بیرون از لثه ها کنده شود دیه ی آن بنا بر قول قویتر ثابت می شود». (عاملی، ۱۳۹۰ش، ج ۱۰/ص ۱۷۸) و (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴/ص ۲۴۹) و (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳/ص ۲۴۱) و (اصفهانی، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۳۴) (خمینی، ۱۴۲۵ق، ج ۴/ص ۳۹۱).

ب) - نظر فقهای اهل سنت

از علمای شافعی قلیویی و عمیره: «در هر دندان مرد آزاد مسلمان ۵ شتر دیه واجب است در این حکم فرقی بین کندن دندان با ریشه یا بدون ریشه نیست». (قلیویی و عمیره، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴/ص ۳۵۱). از فقهای مالکی ابو عبدالله مواق مالکی: «ابن شاس گفته که در هر دندان ۵ شتر چه از ریشه کنده شود و چه از غیر ریشه». (مواق مالکی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۲/ص ۴۶۷).

از فقهای حنبلی ابن قدامه در کتاب المغنی نوشته است: «دیه دندان در آن مقدار از دندان است که از لثه ها آشکار است چون این مقدار را دندان می گویند و آنچه در لثه قرار دارد ریشه نامیده می شود پس اگر دندان شکسته شود و دیگری ریشه آن را بکند در دندان دیه و ریشه ی آن حکومت ثابت است». (مقدسی ۱۳۸۸ق، ج ۸/ص ۴۵۴) و (صالحی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰/ص ۶۶).

گفتار چهارم: روئیدن دندان کنده شده**الف) - نظر فقهای شیعه**

شیخ طوسی برای روئیدن دندان آورده است: «اگر دندان کسی که عادتاً نمی روید کنده شود در آن دیه ی کامل واجب است . که وجوب آن به صورت حال می باشد بدون هیچ گونه اختلافی . پس اگر دیه دریافت شود و پس از آن دندان بروید، برگرداندن دیه واجب نیست. دلیل شیعه : وجوب رد نیاز به دلیل دارد و اصل دریافت دیه هم مستحق بودن مجنی علیه بوده است.» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵/ص ۲۴۴)

نظر فقهای اهل سنت

شافعی در الام آورده است: «اگر دندان کسی که عادتاً نمی روید کنده شود دیه ی کامل آن دندان واجب است پس اگر بعد از گرفتن دیه ی دندان بروید چیزی از دیه برگردانده نمی شود و اگر شخص دیگری بر این دندان تازه روئیده شده جنایت وارد کند و آن را بکند در حالی که این دندان به صورت سالم روئیده بوده و عیبی در آن نبوده در آن دیه ی کامل دندان واجب است.» (شافعی، ۱۴۰۰ق، ج ۶/ص ۱۰۶) و النووی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹/ص ۱۰۳) و (مستظهری، ۱۴۱۸ق، ج ۷/ص ۵۷۲)

برای شافعی در این مسأله دو قول است : ۱ - مثل نظر شیعه برگرداندن دیه واجب نیست ، که این قول اختیار مزنی می باشد . ۲ - وجوب برگرداندن آن است.

از فقهای حنفی علاءالدین کاسانی بیان کرده است: «اگر به جای دندان کنده شده دندان دیگری دیگری بروید منتظر می شوند که اگر دندان سالم بروید طبق نظر ابو حنیفه چیزی بر آن نیست.» (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۷/ص ۳۱۵) و (سرخسی، ۱۴۲۱ق، ج ۲۶/ص ۸۱).

از فقهای حنبلی ابن قدامه: «قاضی گفته است که اگر به جای دندان کنده شده دندان کوتاهتر یا زشتر بروید در آن حکومت واجب است به دلیل اینکه ظاهراً این عیب به سبب جنایت بوده است، پس اگر مقدار نقصان آن نسبت به نظائرش معلوم باشد دیه ی همان مقدار واجب است.» (مقدسی، ۱۳۸۸ق، ج ۸/ص ۴۵۵).

در اینجا در صورت رویش دوباره دندان برگرداندن دیه لازم است چون مجنی علیه ضرری غیر از درد و انتظار رویش متحمل نشده است، بنابراین می توان در آن حکومت را لازم دانست نه دیه ی کامل چون دیه ی کامل مشروط به عدم رشد است.

گفتار پنجم: دیه دندانهای زائد**الف) - نظر فقهای شیعه**

محقق حلی در مورد دندان زائد می فرماید: «دندان زائد اگر همراه با بقیه ی دندانها کنده شود دیه ای ندارد و اگر به تنهایی کنده شود ثلث دیه در آن ثابت است. و گفته شده که در دندان زائد حکومت است. ولی قول اول اظهر است.» (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴/ص ۲۴۹) و (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳/ص ۲۳۴) و (عاملی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۸۰) و (عاملی، ۱۳۹۰ش، ج ۱۰، ص ۱۷۸) و (اصفهانی، ۱۳۷۸ق، ص ۱۳۴).

(ب) - نظر فقهای اهل سنت

از علمای شافعی ابوزکریا النووی گفته است: «اگر دندانی خارج شده از ردیف دندانهای دیگر برآید اگر به گونه ای باشد که از آن انتفاع برده می شود دیه ی آن واجب است و اگر به گونه ای است که نفعی در آن نیست حکومت واجب است به دلیل زشتی که حاصل شده به وسیله خارج شدن آن از ردیف دندانها». (نووی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹، ص ۱۰۳).

از فقهای حنبلی ابن قدامه: «و اگر کسی دندان زائد شخصی را بکند - دندان زائد دندانی است که در غیر ردیف دندانها یا به سمت داخل دهان و یا به سمت لبها می روید - و جانی هم مثل دندان زائد را داشته باشد مجنی علیه می تواند یا قصاص کند و یا حکومت بگیرد و اگر برای جانی این چنین دندان زائدی نباشد مجنی علیه فقط حق گرفتن حکومت را دارد». (مقدسی ۱۳۸۸ق، ج ۸، ص ۴۵۲).

الجزیری در فقه علی المذاهب الاربعه آورده است: «در دندان زائد حکومت واجب است. اگر دندان زائدی کنده شود و به سبب کندن آن نقصانی حاصل نشود، قیمت دندان زائد اندازه گیری می شود، نه دندان اصلی که پشت آن است. و مجنی علیه با حساب آن دندان زائد و بدون آن قیمت گذاری می شود و تفاوت قیمت آن از این طریق آشکار می شود». (الجزیری، ۱۴۲ق، ج ۵، ص ۳۱۱ و ۳۱۴).

بین دندانهای جلو و عقب، به خاطر در معرض دید بودن دندانهای جلو و تأثیر آنها در زیبایی انسان، در مقدار دیه تفاوت دارند و مقدار دیه را بیشتر از آنها تعیین کرد، ولی نمی توان منکر داندان بودن دندانهای عقل شد و فقط زمان رویش آنها با بقیه فرق می کند، مثل خیلی از دیگر اعضای انسان که با رسیدن به سن بلوغ رشد می کنند، دندان عقل هم معمولاً در دوران بلوغ و بعد از آن رشد می کند. که دارای منافعی برای انسان هم می باشد و چون همه ی منافع آنها بر ما پوشیده است نمی توان خلقت آن را بی دلیل دانست و آنها با انگشت زائد یا دندان زائدیکه بر اثر تغییرات ژنتیکی و مشکلات دیگر... به وجود می آیند فرق دارند، شاید عمر کوتاه آنها باعث اعمال چنین نظری از طرف فقهای شیعه شده است.

گفتار ششم: دیه دندان شیرینی کودک

(الف) - نظر فقهای شیعه

صاحب جواهر می فرماید: «و در کندن دندان شیرینی کودک منتظر می مانند پس اگر رشد کرد در آن ارزش لازم است و اگر رشد نکرد دیه ی دندان مٹغر (دندان کسی که قبلاً دندان شیرینی او افتاده است) ثابت است. و برخی گفته اند اگر دوباره رشد کرد در آن یک شتر ثابت است. و برخی هم گفته اند که در آن دیه ی کامل آن نوع دندان ثابت است». (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳/ص ۲۴۱) و (خمینی، ج، ص ۳۹۱) و (فومنی، ۱۴۲۶ق، ج ۵/ص ۵۳۴) و (عاملی، ۱۳۹۰ش، ج ۱۰/ص ۱۷۸) و (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵/ص ۲۴۴).

(ب) - نظر فقهای اهل سنت

از علمای شافعی در کتاب حاشیه قلیویی و عمیره بیان کرده‌اند: «اگر دندان بچه ای که دندان او بعد از افتادن غالباً دوباره می‌روید کننده شود ولی دوباره نروید و معلوم شود که دیگر نمی‌روید ارش آن واجب است و اگر به صورت ناقص بروید در آن حکومت است». (قلیویی و عمیره، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴/ص ۳۵۱).

از فقهای مالکی ابو عمر قرطبی: «و کسی که دندان بچه را بکند و رشد نکند بر او ۵۰ دینار واجب است همانطور که در دندان انسان بالغی که دندانش نمی‌روید همین حکم می‌باشد. با این تفاوت که در بچه انتظار روئیدن کشیده می‌شود ولی در انسان بالغ اینگونه نیست». (قرطبی، ۱۴۱۴ق، ج ۲/ص ۱۱۱۵) و (اصبحی، ۱۴۱۵ق، ج ۴/ص ۵۷۴).

از فقهای حنبلی ابن قدامه گفته است: «اما دندان بچه ای که پس از کندن عادتاً دوباره می‌روید در آن دیه ای ثابت نمی‌شود. این قول مالک و شافعی و اصحاب رأی است. و در آن اختلافی نمی‌دانیم. و این حکم به این دلیل است که عادتاً دندان او دوباره می‌روید پس دیه ای در کندن آن واجب نیست مثل کندن موهای سر بچه، ولی لنتظار کشیده می‌شود که دندان دوباره رشد کند و اگر مدتی بگذرد که از در آمدن دندان یأس پیدا شود دیه آن دندان واجب است». (مقدسی، ۱۳۸۸ق، ج ۸/ص ۴۵۳).

از فقهای حنفی علاءالدین کاسانی آورده است: «اگر ضربه بردندان بچه وارد شده که باعث کندن آن شود پس اگر دندان او دوباره نروید فرقی بین دندان بچه یا بالغ نیست و اگر در سنی است که دندان او دوباره می‌روید پس اگر در این هنگام دندان او نروید یا با رنگ دیگری بروید همین حکم را دارد و اگر دندان سالم بروید چیزی در آن نیست طبق نظر ابو حنیفه همانطور که در دندان بالغ اینگونه است». (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۷/ص ۳۱۵).

در اینجا فقهای اهل سنت چون میزان درد را قابل اندازه گیری نمی‌دانند برای درد ناشی از کندن و همچنین برای نقص عضوی که در طول مدت انتظار برای بچه به وجود می‌آید چیزی بیان نکرده‌اند. و فقط در صورت نقص برای آن حکومت را قرار داده‌اند.

گفتار هفتم: دیه دندان کننده شده اگر پیوند داده شود

الف) - نظر فقهای شیعه

صاحب جواهر می‌فرماید: «اگر خود دندان کننده شده را بکارند پس مثل قبل از کندن آن ثابت شود و سپس شخص دیگری آن را بکند در آن دیه کامل است همانطور که در قواعد به آنچه که از خلاف حکایت شده آمده است و شاید این حکم به دلیل اطلاق ادله باشد اما از کتاب مبسوط و التحریر آمده که در آن حکومت واجب است. و شاید قول بهتر آن قولی باشد که از مختلف آمده است که اگر به صورت صحیح ثابت نشود در آن حکومت و اگر به صورت صحیح ثابت شده باشد در آن دیه کامل است». (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳/ص ۲۴۲) و (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۵/ص ۶۰۵) و (خمینی، ۱۴۲۵ق، ج ۴/ص ۳۹۲).

ب) - نظر فقهای اهل سنت

یمینی شافعی در این مورد گفته است: «اگر جانی دندان مجنی علیه را با ریشه‌ی آن جدا کند و بعد از آن مجنی علیه آن را بکارد و دوباره رشد کند و مثل قبل شود برجانی دیه واجب است به دلیل اینکه دیه به خاطر جدا کردن دندان واجب شده است و کاشت دوباره آن حکمی ندارد چون که کندن آن واجب است و اگر کسی آن را بکند دیه ای بر او واجب نیست». (یمینی شافعی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱/ص ۵۳۶).

علیش مالکی گفته: «اگر دندان در جای خود قرار داده شود و ثابت شود یا به جای آن دندان دیگری برآید در جنایت عمد قصاص و در خطایی دیه‌ی آن ثابت است. (علیش مالکی، ۱۴۰۹ق، ج ۹/ص ۱۲۹) و (مواق مالکی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۲/ص ۴۶۷).

از فقهای حنبلی ابن قدامه: و اگر شخصی دندان مجنی علیه را بکند و مجنی علیه آن دندان را بکارد و در موضع خود برآید دیه ی آن واجب نیست». (مقدسی، ۱۴۰۵ق، ج ۸/ص ۴۵۵).

از فقهای حنفی شیخ النظام در کتاب خود آورده است: «اگر دندان شخصی را بکند و صاحب آن دوباره آن را بکند و گوشت بر روی آن برآید بر جانی تمام دیه ی آن است». (شیخ النظام، ۱۴۱۱ق، ج ۶/ص ۲۵) و (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۷/ص ۳۱۵).

گفتار هشتم: هرگاه چیز دیگری به جای دندان اصلی پیوند داده شود:

الف) - نظر فقهای شیعه

شیخ طوسی در پیوند دندان به وسیله‌ی اشیاء دیگر بیان کرده است: «اگر چیز دیگری مانند دندان حیوان حلال گوشتی یا طلا یا نقره را به جای دندان کنده شده قرار دهند و ثابت شود سپس جانی آن دندان یا شیء ثابت شده را در بیاورد اصحاب گفته اند که چیزی برجانی واجب نیست چونکه آن از ابتدا دندان واقعی نبوده است و قول دیگر اینست که در آن حکومت است چون جمال و منفعتی که با آن وجود داشت از بین رفته است و آن مانند دندان اصلی بوده، ولی قول اول قویتر است چون اصل برائت است». (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۷/ص ۱۴۰) و (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۵/ص ۶۰۵) و (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳/ص ۲۴۲).

ب) - نظر فقهای اهل سنت

شافعی برای پیوند دندان در کتاب خود آورده است: «اگر دندان حیوان حلال گوشتی را به جای دندان خود بکارد و شخصی آن را بکند بیان نشده که در آن حکومت واجب باشد. و طبق یک نظر در آن حکومت واجب است و همچنین اگر به جای دندان کنده شده یک دندان طلا یا چیز دیگری بکارد همین حکم را دارد». (شافعی، ۱۴۰۰ق، ج ۶/ص ۱۳۶) و (یمینی شافعی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱/ص ۵۳۷).

از فقهای حنبلی ابن قدامه آورده است: «اگر به جای دندان کنده شده دندان دیگری یا دندان یک حیوان یا استخوانی کاشته شود و رشد کند دیه ی آن واجب است چون که دندان او به کلی کنده شده پس دیه ی آن واجب است همان طور که اگر به جای آن چیزی کاشته نمی‌شد. و اگر این دندان کاشته شده کنده شود در آن دیه واجب نیست چون که دندان شخص نیست و از بدناو هم نیست ولی در آن حکومت واجب است

چون که جنایتی است که به وسیله ی آن زیبایی و منفعت آن دندان از بین رفته است و احتمال دارد که چیزی واجب نباشد به دلیل این که چیزی را کنده که جزء بدن او نبوده است». (مقدسی ۱۳۸۸ق، ج ۸/ص ۴۵۵).

از فقهای حنفی علاءالدین کاسانی می نویسد: «اگر صاحب آن ، دندان را دوباره بکارد به گونه ای که گوشت بر روی آن بروید بر جانی دیه ی کامل آن دندان است. و ابو یوسف بین دندان خودش و دندان دیگری فرق گذاشته است پس در دندان خود نماز خواندن را اجازه داده نه در غیرش این حکم زمانی است که دندان سالم بروید اما اگر دندان کج بروید طبق نظر همه در آن حکومت واجب است». (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۷/ص ۳۱۵).

گفتار نهم: دیه سیاه شدن و تغییر رنگ دندان

الف) - نظر فقهای شیعه

صاحب جواهر بیان کرده است: «اگر به سبب جنایت دندان سیاه شده ولی نیفتد دو سوم دیه ی آن دندان واجب است که هیچ گونه اختلافی در آن نیافتم همانطور که در ریاض به آن اعتراف کرده است بلکه در کتاب غنیه اجماع بر این حکم آشکار است بلکه در کشف اللثام آن را به قطع فقها نسبت داده است». (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳/ص ۲۳۶) و (عاملی، ۱۳۹۰ش، ج ۱۰/ص ۲۱۸) و (وقمی، ۱۴۰۹ق، ج ۵/ص ۴۳۳).

ب) - نظر فقهای اهل سنت

از علمای شافعی نووی می نویسد: «اگر ضربه ای به دندان وارد شود که آن را سیاه کند در آن حکومت واجب است». (النووی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹/ص ۱۰۴) و (شافعی، ۱۴۰۰ق، ج ۶/ص ۱۲۷) و (یمینی شافعی، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱/ص ۵۳۶).

از فقهای مالکی ابو عبدالله مواق مالکی نیز گفته است: «از مدونه گفته شده اگر ضربه ای به دندان وارد شود که آن را سیاه کند یا زرد یا سرخ یا سبز گفته که اگر دندان سیاه شود سپس آن را بکشد و سرخی و سبزی و زردی اگر اینها مثل سیاهی باشند سپس آن را بکشد و اگر مثل سیاهی نباشد به حساب نقصی که بر دندان وارد شده است به همان مقدار دیه واجب است». (مواق مالکی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۲/ص ۴۶۷) و (قرطبی، ۱۴۲۰ق، ج ۸/ص ۱۰۵).

از فقهای حنبلی ابن قدامه در المغنی می نویسد: «و اگر جنایتی بر دندان وارد شود که موجب سیاهی آن شود از احمد دو روایت حکایت شده : یکی واجب بودن دیه ... و روایت دوم از احمد اینست که اگر منافع دندان از قبیل جویدن و نحو این را از بین برده در آن دیه کامل و اگر منافع باقی اند در آن حکومت است . و این قول قاضی و قول دوم شافعی و اختیار اصحاب اوست چونکه منافع آن از بین نرفته پس دیه ی آن کامل نمی شود . همان طور که اگر زرد شود. و نظر ما قول زید بن ثابت است و در صحابه مخالفی را نمی

شناسیم، پس اجماعی است چون همه زیبایی آن را از بین برده پس دیه ی آن کامل است». (مقدسی ۱۳۸۸ق، ج ۸/ص ۴۵۵ و ۴۵۶) و (صالحی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰/ص ۶۶).

از فقهای حنفی شیخ النظام آورده است: «در کافی اینچنین آمده است اگر ضربه ای به دندان وارد شود و سبز یا سرخ شود دیه ی دندان که پانصد درهم است واجب است و اگر زرد شود بین بزرگان اختلاف است و قول صحیح اینست که دیه ی آن واجب نیست». (شیخ النظام، ۱۴۱۱ق، ج ۶/ص ۲۵).

اصولاً دندان بعد از سیاه شدن زیاد عمر نمی کند و کیفیت قبلی خود را از دست می دهد و معمولاً با درد همراه است به همین دلیل باید بر اساس عمری که بعد از سیاه شدن می کند در نظر گرفته می شود.

گفتار دهم: دیه دندان شکافته، لق شده

الف) - نظر فقهای شیعه

شهید اول در لمعه دمشقیه آورده است: «هر گاه دندان شکافته شود یعنی لق شود، طبق نظر مشهور دو سوم دیه لازم می شود و دلیل این حکم آن است که، لق شدن دندان در حکم فساد است». (عاملی، ۱۴۱۰ق، ص ۸۰) و (عاملی، ۱۳۹۰ش، ج ۱۰/ص ۷۸) و (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳/ص ۲۴۱ و ۲۴۲).

ب) - نظر فقهای اهل سنت

از علمای شافعی قلیویی و عمیره بیان کرده اند: «اگر منافع دندان به سبب لق شدن از بین برود در آن حکومت ثابت است، ولی اگر منافع دندان به کلی از بین نرود و فقط کمتر شود قول صحیحتر اینست که مثل دندان سالم است که در آن مقدار مشخص است و در جایی که منفعت کم شده به خاطر آن حکومت ثابت است». (قلیویی و عمیره، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴/ص ۳۵۱).

از فقهای مالکی ابو عبدالله مواق مالکی می نویسد: «و از مدونه گفته شده که اگر ضربه ای به دندان وارد شود که آن را لق کند پس اگر درد آن زیاد باشد سپس آن را بکشد در آن دیه واجب است و اگر درد آن کم باشد به همان مقدار دیه واجب است». (مواق مالکی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۲/ص ۴۶۷).

از فقهای حنفی علاءالدین کاسانی این چنین نظر داده: «اگر با ضربه ای که بر دندان وارد می شود دندان لق شود قاضی به او یکسال مهلت می دهد پس از آن اگر مضروب آمد و دندان او افتاده باشد و بگوید دندان از ضربه ی ضارب افتاده است، و ضارب ادعای او را رد کند از دو حال خارج نیست، یا مضروب در طول همان سال آمده است و یا بعد از گذشتن یکسال. اگر در طول سال چنین ادعایی کند طبق قیاس قول ضارب مقدم است و در استسحان قول مضروب مقدم است». (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۷/ص ۳۱۶).

پیشنهادات

به نظر می‌رسد که به نظر می‌رسد که اگر کسی توانست در بحث کاشت دندان از تکنولوژی امروزی مانند ایمپلنت دندان (کاشت دندان‌های به صورت فک جوش) استفاده نماید و کسی بیاید با یک ضربه ای آن را دچار خسارت نماید باید محکوم به پرداخت خسارت یا ارش شود.

انتقاد:

اهل سنت برای درد دندان و مدت انتظار دیه مقرر نکرده اند که درست نیست.

نتیجه گیری

منظور از دیه در فقه، مالی است که بر جانی، به سبب جنایت بر نفس یا پایین‌تر از آن، واجب می‌شود، و در قانون دیات شامل مقررات و شرایط مختلفی است که باید پس از بررسی‌های کافی به مرحله اجرا درآیند که حافظ جامعه و تأمین صلح و سازش بین طرفین دعواست و خسارت‌های وارده را جبران می‌کند. از بین بردن تمام دندانهای بیست و هشتگانه دیه کامل دارد هر یک از دندانهای جلو پنجاه دینار و دیه مجموعاً نه‌اششصد دینار می‌شود.

و هر یک از دندانهای عقب بیست و پنج دینار و دیه مجموعاً نه‌اچهارصد دینار می‌شود. در فقه شیعه دندانهای اضافی دیه‌ای ندارد و اگر در کندن آنها نقصی حاصل شود تعیین مقدار ارش آن با قاضی است. فقهای اهل سنت تعداد دندانها را ۳۲ عدد می‌دانند و ۴ دندان نو اجذ یا عقل را هم جزء دندانهای اصلی شمرده‌اند از نظر آنها فرقی بین دندان‌های جلو و عقب نیست. واز این رو برای ۳۲ دندان ۱۶۰ شتر قرار داده اند، شافعی حنبلی گفته اند که اگر جانی تمام دندان‌های مجنی علیه را یک دفعه از بین ببرد یک دیه ی کامل واجب است. شکستن آن مقدار از دندان که نمایان است با بقاء ریشه دیه کاملاً دندان را دارد و همه‌ی فقهای شیعه و اهل سنت در این موضوع توافق دارند. اگر بعد از شکستن مقدار مزبور کسی بقیه را از ریشه بکند جریمه آن با نظر حاکم تعیین می‌شود. در مورد رویش دندان می‌توان گفت: طبق نظر فقهای شیعه اگر دندان کسی که عادتاً نمی‌روید کنده شود در آن دیه ی کامل واجب است. بدون هیچ گونه اختلافی. پس اگر دیه دریافت شود و پس از آن دندان بروید، برگرداندن دیه واجب نیست. دلیل شیعه: وجوب رد نیاز به دلیل دارد و اصل دریافت دیه هم مستحق بودن مجنی علیه بوده است و این دندان زاید موهبتی از طرف خداوند دانسته اند. شافعی در این مورد دو نظر دارد یکی اینکه بعد از رویش دندان، رد دیه واجب نیست. و دوم اینکه باید دیه را برگرداند. طبق نظر حنفیان اگر دندان دوباره بروید دیه‌ای واجب نیست چون ضرر با رویش دندان جدید جبران شده است و نمی‌توان دردی را که مجنی علیه از طریق جنایت متحمل شده است قیمت گذاری کرد. ولی ابو یوسف طبق قول کاسایی همانند شیعه نظر داده است و رد دیه را واجب ندانسته است و گفته که حتی مجنی علیه می‌تواند هزینه‌های درمان را نیز از جانی بگیرد. و حنبلیان تنها در صورت نقص در دندان روئیده شده، به نسبت نقص در دندان، حکومت را واجب دانسته اند.

در فقه شیعه دندانهای اضافی دیه‌ای ندارد و اگر در کندن آنها نقصی حاصل شود تعیین مقدار ارزش آن با قاضی است. فقهای اهل سنت تعداد دندانها را ۳۲ عدد می‌دانند و ۴ دندان نواجذ یا عقل را هم جزء دندانهای اصلی شمرده‌اند از نظر آنها فرقی بین دندانهای جلو و عقب نیست.

کندن دندانهای شیری کودک که دیگر بجای آن دندان نروید مشخص است و دیه آن کامل است و اختلاف در دندان شیری است که بعد از افتادن دوباره می‌روید یک قول اینست که در آن ارزش ثابت است و این قول شهید اول و شهید ثانی، شیخ طوسی در خلاف، صاحب جواهر، امام (ره) و .. است و قول دیگر اینست که در آن یک شتر واجب است. ولی از نظر فقهای اهل سنت در دندان بچه ای که کنده شده است یکسال صبر واجب است پس اگر بعد از یکسال رشد نکرد طبق قول شافعی و مالکی و حنبلی و حنفی دیه ی کامل آن واجب است و اگر رشد کرد در آن دیه ای نیست پس اگر دیه را گرفته باشند و بعد از آن دندان رشد کند باید دیه را برگردانند.

طبق نظر فقهای شیعه دندانی که کنده شود دیه کامل دارد گرچه همان را در محلش قرار دهند و دوبار همانند سابق شود، اگر خود دندان کنده شده را بکارند پس مثل قبل از کنده شدن آن ثابت شود و سپس شخص دیگری آن را بکند در آن دیه ی کامل است. از نظر شافعی و مالکی و حنفی اگر دندانی کنده شود و مجنی علیه آن را بکارد در آن دیه ی کامل ثابت است ولی از نظر فقهای حنبلی از جمله ابن قدامه اگر مجنی علیه آن دندان را پیوند و دندان مثل قبل ثابت شود در آن دیه ای نیست ولی اگر برای بار دوم آن دندان کنده شود در آن دیه ی کامل ثابت است.

هرگاه دندان دیگری بجای دندان اصلی کنده شده قرار گیرد و مانند دندان اصلی شود در کندن آن بنا بر اصل برات دیه‌ای واجب نیست. شافعی در مورد کاشتن چیز دیگری به جای دندان دو نظر را بیان کرده است یکی اینکه دیه واجب نیست و دیگر اینکه در آن دیه واجب است، حنبلی در آن حکومت را واجب دانسته است، حنفی نماز خواندن با آنرا جایز ندانسته است. هر گاه دندان شکافته شود یعنی لُق شود، طبق نظر مشهور دو سوم دیه لازم می‌شود و فقهای اهل سنت شکاف یا شقاق دندان که بدون کندن و از بین بردن آن باشد حکومت قرار داده‌اند. طبق قول مشهور فقهای شیعه اگر دندانی در اثر جنایت سیاه شده و نیافتد دیه آن دو ثلث دیه همان دندان است که سالم باشد، شافعی و مالکی حکومت و حنبلیان زرد شدن و سرخ شدن را همانند سیاه شدن دانسته‌اند و یک سوم دیه را واجب کرده‌اند. حنفیان در سیاهی و سرخی و سبز شدن دیه دندان را واجب دانسته‌اند و در زرد شدن دیه‌ای قرار نداده‌اند، و هر گاه دندان شکافته شود یعنی لُق شود، طبق نظر مشهور دو سوم دیه لازم می‌شود و فقهای اهل سنت گفته‌اند که اگر شکاف یا شقاق دندان که بدون کندن و از بین بردن آن باشد حکومت ثابت است.

فهرست منابع

- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد ۴، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی، (۱۴۰۸ق)، چاپ اول،
- ۲- ادريس، عوض احمد، ديه، ترجمه دکتر فیض ، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۷۷)، چاپ دوم.
- ۳- أصبحی، مالک بن أنس بن مالک بن عامر المدنی، المدونۃ الكبرى، بیروت، انتشارات دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
- ۴- اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، حدود و قصاص و دیات، ج ۱، تهران، نشر پیام حق، ۱۳۷۸ق.
- ۵- جزیری، عبد الرحمن بن محمد عوض الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۵، بیروت، انتشارات دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
- ۶- حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن محقق، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد ۴، قم، انتشارات مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- ۷- حلّی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، مصحح ابراهیم بهادری، ج ۵، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ ه ق.
- ۸- خلخالی، سید محمد مهدی موسوی، حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، مترجم، جعفر الهادی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲ق.
- ۹- خمینی ، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیلة، ترجمه علی اسلامی، جلد ۴، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۲۵ق.
- ۱۰- سرخسی، شمس الدین أبو بکر محمد بن أبی سهل، المبسوط للسرخسی، جلد ۲۶، بیروت، انتشارات دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۱ق.
- ۱۱- شافعی، محمد بن إدريس أبو عبد الله الأم، ج ۶، بیروت، انتشارات دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۰۰ق.
- ۱۲- شربینی، شمس الدین، محمد بن أحمد الخطیب الشافعی، مغنی المحتاج إلى معرفة ألفاظ المنهاج، جلد ۲، بیروت، انتشارات دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
- ۱۳- شیرازی، ناصر مکارم، دائرة المعارف فقه مقارن، جلد ۱، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ق.
- ۱۴- صالحی، علاء الدین أبو الحسن علی بن سلیمان المرداوی الدمشقی، الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف علی مذهب الإمام أحمد بن حنبل، جلد ۱۰، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۹ق.

- ۱۵- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، جلد ۱۰، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ ق.
- ۱۶- عاملی، زین الدین بن علی جبعی {شهیدثانی} الروضة البهیة فی شرح المعه دمشقیه، مترجم حمید مسجد سراپی، ج ۱۰، قم، انتشارات پیام نوآور، ۱۳۹۰ ش.
- ۱۷- عاملی، محمد بن الحسن حر، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، محقق گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، جلد ۲۹، قم، انتشارات مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
- ۱۸- عاملی، محمد بن مکی {شهید اول}، اللعة دمشقیة فی فقه الإمامیة، مصحح: محمد تقی مروارید- علی اصغر مروارید، جلد ۱، بیروت، دار التراث- الدار الإسلامیة، ۱۴۱۰ ق.
- ۱۹- علیش، محمد بن أحمد، منح الجلیل شرح علی مختصر سید خلیل، ج ۹، بیروت، انتشارات دار الفکر، ۱۴۰۹ ق.
- ۲۰- فراهیدی، خلیل بن احمد العین، جلد ۵، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ ق.
- ۲۱- قرطبی، أبو عمر یوسف بن عبد الله بن عبد البر النمري، الاستذکار الجامع المذاهب فقهاء الأمصار، جلد ۸، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ ق.
- ۲۲- ----- الکافی فی فقه أهل المدينة المالکی، جلد ۲، الرياض، انتشارات مكتبة الرياض الحديثة، ۱۴۱۴ ق.
- ۲۳- قلیوبی و البرلسی، شهاب الدین وأحمد عمیره، حاشیتا قلیوبی وعمیره، جلد ۱۴، بیروت، انتشارات دار الفکر، ۱۴۱۵ ق.
- ۲۴- قمی، محمد بن علی بن بابویه صدوق، من لا یحضره الفقیه، مترجم: غفاری، علی اکبر و محمد جواد و صدر بلاغی، جلد ۵، تهران، نشر صدوق، ۱۴۰۹ ق.
- ۲۵- کاسانی، علاء الدین أبو بکر بن مسعود الحنفی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، محقق سالم محمد عطا- محمد علی معوض، جلد ۳۹، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۶ ق.
- ۲۶- مستظهري، محمد بن أحمد بن الحسين بن عمر، أبو بکر الشاشی القفال الفارقی، ملقب فخر الإسلام الشافعی، حلیه العلماء، ج ۷، عمان، انتشارات مؤسسه الرسالة دار الأرقم، ۱۴۱۸ ق.
- ۲۷- مقدسی، أبو محمد موفق الدین عبدالله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعلی دمشقی الحنبلی، مشهور بابن قدامة المقدسی المغنی، جلد ۸، قاهره، انتشارات مكتبة القاهرة، ۱۳۸۸ هـ.
- ۲۸- مواق المالکی، محمد بن یوسف بن أبی القاسم بن یوسف العبدري الغرناطی، أبو عبد الله، التاج والإکلیل لمختصر خلیل، جلد ۸، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶ ق.
- ۲۹- موصلی، عبدالله بن محمود بن مودود الحنفی الاختیار لتعلیل المختار، محقق عبداللطیف محمد عبدالرحمن، جلد ۵، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ ق.

- ۳۰- نجفی، محمد حسن، (صاحب الجواهر) جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، محقق عباس قوچانی- علی آخوندی، جلد ۴۳، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
- ۳۱- نظام وجماعه من علماء الهند، الفتاوی الهندیة فی مذهب الإمام الأعظم أبي حنیفة النعمان، جلد ۶، بیروت، انتشارات دار الفکر، ۱۴۱۱ق.
- ۳۲- نووی، أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف، المجموع شرح المهذب، جلد ۱۹، بیروت، انتشارات دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
- ۳۳- یمینی، أبو الحسین یحیی بن أبی الخیر بن سالم العمرانی الشافعی البیان فی مذهب الإمام الشافعی، محقق: قاسم محمدالنوری، جلد ۱۱، جدة، انتشارات دار المنهاج، (۱۴۲۱ق).

- 34- Blood Money of Tooth From The Point of View The Five Religions
- 35- Doctorate of Jurisprudence And Islamic Rights Principle: MostafaMaleki
- 36- Master of Arts Of Jurisprudence And Islamic Rights Principles: GhadamkhairBordbary
- 37- Master Of Arts Of Jurisprudence And Islamic Rights Principle: AzarAzadi